فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc25183886)

[انواع اخوت 2](#_Toc25183887)

[اخوت تکوینی و طبیعی 2](#_Toc25183888)

[اخوت فرهنگی 3](#_Toc25183889)

[اقسام اخوت طبیعی و قهری و تکوینی 4](#_Toc25183890)

[اقسام اخوت فرهنگی 5](#_Toc25183891)

[اخوت تکوینی و فرهنگی در قرآن 5](#_Toc25183892)

[اخوت در لغت شناسی 6](#_Toc25183893)

[اخوت فرهنگی و مثبت 7](#_Toc25183894)

[ترویج عقد اخوت به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم 8](#_Toc25183895)

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / حب و بغض

# اشاره

بحث در روابط اجتماعی به حب و بغض رسید، در حوزه محبت، بعدازاینکه مقدمات چندگانه‌ای را ذکر کردیم، به ادله‌ای پرداختیم که می‌تواند با بحث محبت به‌گونه‌ای در ارتباط باشد.

اولین دلیل از قرآن کریم، آیه شریفه سوره حجرات بود که فرمودند**﴿: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾**[[1]](#footnote-1)، در این آیه شریفه چهار مطلب را پیرامون حصر و مؤمن و اخوت طرح کردیم، در تکمیل بحث اخوت مطالبی را عرض می‌کنیم.

مطلب پنجم در ذیل آیه شریفه و در تکمیل مباحث اخوت این است که اشاره شد به اینکه مبنای اخوت و مفهوم اخوت؛ مشارکت در یک محور و اساس و مبنا است، مشارکت دو یا چند نفر در یک محور و اصل مشترک، مفهوم پایه اخوت است.

# انواع اخوت

تفاوت معانی و تعدد معانی اخوت برمی‌گردد به آن مبنا و اصلی که به‌عنوان پایه اشتراک دو نفر یا بیشتر اتخاذ می‌شود، اینکه چیزی را مبنا بگیریم، موجب تعدد معانی اخوت می‌شود.

با توجه به نکته کلی که قبلاً هم عرض کرده بودیم، اخوت می‌شود تقسیم بشود از یک منظر به اخوت طبیعی و تکوینی و امثالهم و اخوت‌هایی که جنبه فکری و اعتقادی و امثالهم دارد.

# اخوت تکوینی و طبیعی

یک بار است که مبنا و اصل موجب مشارکت عده‌ای شده و درواقع نخ تسبیح مشارکت شده است، یک امر طبیعی و تکوینی است و خارج از اراده و اختیار است، این اخوت‌های طبیعی و قهری و غیر اختیاری است.

یک نوع اخوت‌های انتخابی و اختیاری و تحت تأثیر یک عوامل در حوزه اختیار و انتخاب بشر است.

اخوت‌های قهری و طبیعی همین اخوت زاده شدن از یک پدر و مادر یا از یک پدر و یا از یک مادر است، پدر و مادری که قریب یا بعید هستند، پدر و مادر یا جدّ هستند یا اخوتی که در اثر مشارکت چند نفر در شیر خوردن از یک زن باشد و امثالهم، این‌ها اخوت‌های به معنای تکوینی و قهری و طبیعی است.

# اخوت فرهنگی

نوع دوم؛ اخوت‌های فرهنگی است، مثل اخوتی که در این آیه ذکر شده است و اقسام دیگری که بیان خواهیم کرد، مبنای اخوت در معنای دوم این است که این‌ها به یک اصل مشترکی پای بند هستند و اعتقاد دارند و پیرامون آن اجتماع دارند.

نکته‌ای که قبلاً اشاره شد، این است که ممکن است در یک مواردی، حتی این اخوت‌های فکری، فرهنگی و اعتقادی، بر اساس یک تحلیل‌های دقیق یا پیچیده یا باطنی به یک نوعی از آن مشارکت‌های تکوینی و طبیعی درنهایت منتهی بشود، این بر اساس چیزی است که در روایات ذکر شده است که می‌گوید: مؤمنان، مسلمانان، در حقیقت یک طینت مشترکی دارند، یک وجوه مشترک ماورائی و غیر محسوس – حتی از عالم غیب و قبل از عالم دنیا – دارند، ممکن است گاهی آن‌هم به این برگردد، اما با همه این‌ها، به‌ظاهر آن اخوت‌های فرهنگی با اخوت‌های طبیعی متفاوت هستند، درهرصورت در آنجا اختیار نقش دارد و متفاوت است، گرچه بحث طینت و وجوه مشترک نامحسوس امری است که در روایات ذکر شده است و کم هم نیستند، با تحفظ به اینکه این مسئله هم ممکن است درست باشد و فی‌الجمله در روایات ذکر شده است، اما درهرصورت این اخوت‌ها متفاوت است، اخوت نوع اول؛ اخوت طبیعی، قهری، تکوینی است که در همین عالم با همه محاسبات روشن است، اما آن اخوت فرهنگی و اعتقادی نوع دوم، یک اخوتی است که در حقیقت فرهنگی است و متفاوت با نوع اول است، این از قبیل این است که طینت را قائل هستیم، درعین‌حال بحث اختیار و انتخاب را هم می‌پذیریم، با هر شکلی در آنجا حل کردیم، اینجا هم به همین صورت است، این نکته اخوت فرهنگی و انتخابی و اختیاری را به اخوت طبیعی و قهری و تکوینی تبدیل نمی‌کند، درهرصورت مرز میان این‌ها وجود دارد.

معنای اخوت فرهنگی که بین مسلمانان و مؤمنان این نیست که هر کسی با یک انتخاب کامل اسلام یا ایمان را پذیرفته است، بلکه گاهی در اثر تولد در محیط ایمانی و اسلامی است که اخوت به یک شکلی قهراً به او منتقل می‌شود و او هم در زمره و دائره آن اخوت قرار می‌گیرد، بلکه انتخاب به معنای عام است که اگر می‌خواست می‌توانست تغییر بدهد، لازم نیست انتخاب‌های دقیق باشد یا آگاهانه کامل باشد.

# اقسام اخوت طبیعی و قهری و تکوینی

طبعاً هر یک از این دوشاخه، زیرشاخه‌هایی دارند و تقسیمات ثانوی وجود دارد، به‌عنوان‌مثال در اخوت قهری و تکوینی و طبیعی، انواع و اقسامی می‌تواند داشته باشد که مهم‌ترین آن‌ها ولادت و رضاع و امثالهم بود، اما چیزهای دیگری هم می‌تواند باشد، اینکه این‌ها در یک محیط از لحاظ جغرافیایی باهم بوده‌اند، یک مجموعه‌ای از مردمانی که در یک فرهنگ بزرگ شدند و در یک منطقه، تحت تأثیر یک جغرافیای خاصی بودند، ممکن است اخوت تعبیر بشود، قرآن می‌فرماید: **﴿وَ إِلى‏ عادٍ أَخاهُمْ هُوداً﴾**[[2]](#footnote-2)، یعنی در مجموعه آن قوم بود، لذا قسم اول می‌تواند ملاک‌های مختلف طبیعی به‌عنوان مبنای اخوت به شمار بیاید که مهم‌ترینش ولادت و امثالهم است.

در قسم اول طبعاً، اخوت در حوزه ولادت و امثالهم مراتب دارد، از اخوت خواهر و برادری که در یک خانواده کوچک قرار دارند و مبنای اخوتشان تولد از پدر و مادری است که مستقیم از او متولدشده‌اند، شروع می‌شود تا بنی اخوال و امثالهم را در بر می‌گیرد تا اخوت عام و طبیعی که می‌شود گفت در همه بشر یک اخوت عامه‌ای هست، برای اینکه همه از یک پدر و مادر زاده شده‌اند، این‌ها هم درجاتی است که می‌شود بر حسب اعتبار این اخوت را کوچک و بزرگ و آن را پایین و بالا بُرد، یک اخوت محدود به هم‌پیوستگی قوی و شدید در خانواده کوچک تا اخوتی در قبیله و عشیره و تا اخوت بشری، همه این‌ها در اینجا کاربرد دارد، در اصطلاحات و امثالهم ذکر می‌شود، این در اخوت ولادی و تکوینی بر اساس تولد است که آن‌هم مراتب دارد، از یک‌مرتبه کوچک که بسیار قوی است، شروع می‌شود تا اخوت عام العامی که همه بشر را می‌تواند زیرپوشش خودش بگیرد.

همه بشر با قطع‌نظر از اعتقاد و اخلاق و رفتار و امثالهم، تعبیر می‌شوند که همه بشر خواهر و برادر هستند، برای اینکه یک نسل هستند و به یک اصل از لحاظ میلاد و تولد برمی‌گردند.

وقتی نگاه ارزشی می‌آید، در آن صورت می‌گوید: «أخٌ لک فی الدین أو نظیر لک فی الخلق»، اما وقتی نگاه فرهنگی و ارزشی را نداشته باشیم و مفهوم اخوت را به معنای طبیعی و قهری و تکوینی بخواهیم به کار ببریم، این مراتب تشکیکی قابل اطلاق است، حتی در آن مرتبه عالیه که همه این‌ها اخوت دارند، ولو هیچ نسبت اعتقادی و فکری هم ندارند، حتی گاهی دشمنی هم دارند، آیات متعدد قرآن که می‌گوید: **﴿وَ إِلى‏ عادٍ أَخاهُمْ هُوداً﴾**[[3]](#footnote-3)، برای اینکه همه این‌ها از یک قبیله و عشیره بودند، از یک منطقه جغرافیایی بودند، حضرات پیامبران می‌گویند: برادران این اقوام هستند، درصورتی‌که هیچ نسبت فرهنگی باهم ندارند و هیچ نسبت اعتقادی و ارزشی با یکدیگر ندارند، این نشان‌دهنده کاربرد اخوت به معنای طبیعی و تکوینی در ابعاد وسیع‌تر از خانواده کوچک هستند.

# اقسام اخوت فرهنگی

در قسم دومی که اخوت‌های فرهنگی باشد، از منظر قرآنی به اخوت ارزشی و غیر ارزشی تقسیم می‌شود، برای اینکه قرآن دو کاربرد در اخوان دارد، یک کاربردی مثل **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**[[4]](#footnote-4) دارد، یک کاربرد دیگر هم مثل آیه **﴿إِنَّ الْمُبَذِّرينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطين‏﴾**[[5]](#footnote-5) یا **﴿وَ إِخْوانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ في‏ الغَي‏﴾**[[6]](#footnote-6) یا **﴿وَ الْقائِلينَ لِإِخْوانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنا﴾**[[7]](#footnote-7) دارد، حدود ده مورد استعمال اخوت در قرآن هست، اخوت فرهنگی است، برگشت به یک امر اعتقادی و اخلاقی و فکری است، اما نه از نوع مثبت، مثل إنّما المؤمنون إخوة، **﴿إِخْواناً عَلى‏ سُرُرٍ مُتَقابِلين‏﴾**[[8]](#footnote-8)، از قبیل ارزشی مثبت نیست، بلکه اخوت فرهنگی از نوع منفی است، **﴿إِنَّ الْمُبَذِّرينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطين‏﴾**، مبذر و شیطان با هم اخوان هستند، برای اینکه در یک اصل اخلاقی و یک سبک زندگی ضد اخلاقی اشتراک دارند.

آیه 202 سوره اعراف فرمودند: **﴿وَ إِخْوانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ في‏ الغَي‏﴾**، برادران آن‌ها، آن‌ها را به سمت ضلالت و گمراهی می‌کشانند، گمراه‌کنندگان و گمراه شوندگان و رفقا و صاحبان یک مسیر غلط و افکار باطلی هستند.

**﴿وَ الْقائِلينَ لِإِخْوانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنا﴾**، این هم مربوط به منافقین در جنگ‌ها هست، آیاتی در مورد اخوت فرهنگی و غیرطبیعی از نوع منفی به کار رفته است، هم در مورد کفار و مشرکین هست، هم در مورد منافقین هست.

# اخوت تکوینی و فرهنگی در قرآن

در قرآن هم اخوت به معنای طبیعی به کار رفته است، مثل اخ و اخت که در آیات مختلف ذکر شده است، مثلاً در مورد برادران حضرت یوسف علیه‌السلام آمده است که این واژه و مفهوم اول و طبیعی و تکوینی به کار رفته است، هم اخوه به معنای فرهنگی که غیر تکوینی و غیرطبیعی است، به کار رفته است، در این بخش هم در هر دو شاخه مثبت و منفی به کار رفته است، مثبت مثل **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**، منفی مثل **﴿وَ إِخْوانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ في‏ الغَي‏﴾**، این چند نوع اخوت در ادبیات عرب وجود دارد و قرآن کریم هم آن‌ها را استعمال کرده است.

این اخوت‌ها که از نوع فرهنگی مثبت آن هست، هم در دنیا به کار رفته است و هم اینکه این اخوت بازتابی دارد که خود را در عالم آخرت خودش را نشان می‌دهد، ازیک‌طرف می‌گوید: اخوت‌ها و پیوندهای دنیایی، وقتی ریشه در اعتقاد پیدا نکند، قطع می‌شود و بی‌ارزش می‌شود، **﴿فَلا أَنْسابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذ﴾**[[9]](#footnote-9)، انساب قطع می‌شود، آیات متعدد است که دوستی و نسب و برادری و خواهری قطع می‌شود، از طرف دیگر هم اخوت‌های مثبت ایمانی باقی می‌ماند، مثلاً در مورد بهشت در سوره حجر آیه 47 این‌طور می‌فرمایند: **﴿وَ نَزَعْنا ما في‏ صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْواناً عَلى‏ سُرُرٍ مُتَقابِلين﴾**‏، اخوت ایمانی در بهشت به آن صورت تجلی پیدا می کند که به اوج به آن صورت می‌رسد.

اخوت که مشارکت در اصل یا مبنای واحدی است و مفهوم کلی است، گاهی آن اصل و مبنا یک امر تکوینی از قبیل ولادت و رضاع و هم‌جواری و مصاحبت و بودن در یک جغرافیای مشخص، مسائل تکوین است که امور مختلف است، این قسم اول است.

قسم دوم؛ اخوت‌های بر مبنای فکر و اعتقاد و اخلاق و سبک زندگی و امثالهم است، اخوت اول انواعی دارد که به بعضی اشاره شد، همین‌طور در اخوت‌های ولادی، مراتب دارد که از اخوت‌های خیلی نزدیک خانواده کوچک شروع می‌شود تا اخوت بشری که همه بشر یک اخوت به معنای عام دارند، این در تعدد کاربردهای اخوت در قسم اول و مراتب داشتن است.

در قسم دوم هم از دیدگاه‌های مختلف تعدد دارد که مثبت و منفی دارد، قرآن هم مثبت و هم منفی را ذکر کرده است، همچنین در قسم دوم هم دنیوی و هم اخروی داریم که آن شکل تجلی پیدا می کند.

سؤال...

جواب: الآن استعمالات حقیقی است، بعید است که بگوییم مجاز است.

معمولاً مشترک لفظی می‌گیریم، اما اینجا ممکن است کسی مشترک معنوی هم بگیرد، بگوید: اخوت یعنی المشارکة أشخاصٍ فی أصلٍ واحد، یک کاربرد مشارکت، اصل واحد است، گاهی طبیعی و گاهی فرهنگی است، دو قسم می‌شود، اصل واحد می‌شود طبیعی محدود گرفته بشود، هم می‌شود خیلی موسع گرفت.

در طرف فرهنگیش، اصل واحد را می‌توان یک امر مثبت گرفت و می‌توان امور منفی گرفت، ممکن است کسی بگوید: اینجا معنای مشترک معنوی شده است، تعدد اشتراک لفظی هم نیست.

# اخوت در لغت‌شناسی

به‌عبارت‌دیگر؛ تعدد معانی که در این تقسیم نشان دادیم، ازنظر لغت‌شناسی سه تفسیر برای آن می‌توان ذکر کرد:

1 – یک معنای حقیقی اصلی داریم که عبارت است از اخوت ولادی، بقیه همه مجاز هستند.

2 – بگوییم: این‌ها به نحو مشترک لفظی چندمعنا است، اخوت ولادی، اخوت رضاعی، اخوت ایمانی، اخوت شیطانی و امثالهم.

3 – اخوت مشترک معنوی است، یک معنای واحد جامعی دارد که مشارکت أشخاصٍ فی أصلٍ و مبنیً واحد، این معنای عام مشترک تطبیق داده می‌شود بر موارد مختلف بر اساس اینکه آن اصل مشترک را پدر و مادر بگیرید، شیر خوردن بگیرید، زیست در یک جغرافیای معین و واحد بگیرید یا انتصاب به یک قرینه بگیرید، انتصاب به یک پدر و مادر مثل حضرت آدم و حوا بگیرید، تفاوت در اینجا به این صورت است که اصل را چه چیز قرار بدهیم، همه تطبیقات و مصادیق آن معنای مشترک معنوی می‌شود، یا اینکه اصل را شما اسلام، ایمان و امثالهم بگیرید.

در اینجا بعید نیست که مشترک معنوی بگیریم، علی‌رغم اینکه ما به‌سادگی مشترک‌های لفظی را مشترک معنوی نمی‌گیریم، بارها بحث کردیم با یک نکات جدی و دقیقی که برخی تلاش‌ها برای اینکه فوری مشترک‌های لفظی را به مشترک معنوی برگردانیم، قبول نداریم، از قبیل آنچه در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن جناب مصطفوی ذکر شده است، اما اینجا بعید نیست که مشترک معنوی گرفته بشود.

# اخوت فرهنگی و مثبت

نکته ششم این است که اخوت فرهنگی و مثبت آن، می‌تواند در مقام تئوری، درجات و مراتبی داشته باشد که بعضی از آن ممکن است بگوییم: کاربرد اسلامی و دینی ندارد، اما تعدادی از آن‌ها هم دارد، وقتی اخوت را بر مبنای عقیده و اخلاق و امور دینی مثبت تفسیر می‌کنیم، در تصویر می‌شود حداقل این مراتب تشکیکی که عرض می‌کنم، برایش فرض کرد:

1 – اخوت دینی فراتر از اسلام قائل بشویم، بگوییم: صاحبان ادیان یا حداقل ادیان توحیدی و ابراهیمی یک نوع اصل مشترک دارند که یک نوع اخوتی می‌شود برای آن فرض کرد، این کاربرد قرآنی ندارد، قرآن تأکید دارد که مرز اسلام از غیر اسلام جدا بماند، حتی با آن‌هایی که نوعی اعتقادات هم دارند، اما در مقام استعمال و تأثیر لغوی امکان دارد، آن‌هایی که به یک اصول اعتقادی کلان و مشترک ادیان دارند، یک نوع اخوت دینی فرامذهبی قائل هستند، این مقصود ما نیست، مراتب دیگری هست که این‌ها کاربرد دارد.

2 – اخوت اسلامی به معنای عام، همه آن‌هایی که تحت پوشش اسلام هستند، یک نوع اخوت دارند، این نوع کم‌وبیش کاربرد روایی دارد، در روایات گاهی اخوت به مفهوم تقریبی و فرامذهبی اسلامی به کار رفته است، ممکن است «إنّما المؤمنون إخوه» را کسی این‌طور معنا بکند.

3 – در همان نگاه اسلامی، بدون اینکه نگاه مذهبی و شیعی و غیر شیعی را دخالت بدهیم، می‌گوییم: خود مسلمانان با قطع‌نظر از اعتقادات مذهبی به معنای شیعه و غیر شیعه، بگوییم: منافق و غیر منافقشان و پای بند و غیر پای بندشان فرق می کند، آن مسلمانانی که یک نوعی از پای بندی و تقید دارند و از یک اعتقاد اصیلی برخوردار هستند - یعنی نفاق ندارند - آن‌ها یک درجه قوی‌تر از اخوت دارند که بین آن‌ها و مسلمانان ضعیف العقیده اخوتی نیست.

4 – اخوت ایمانی به معنای اخوت شیعی هست، اخوت مؤمنان به اهل‌بیت علیهم‌السلام که اخوت به این معنا در روایات زیاد به کار رفته است.

5 – اخوت کسانی که پای بندی بیشتری دارند و مقید به آداب و اصول هستند، گاهی روایات به این نوع اشاره دارد.

6 – اخوت یعنی صداقت، دوستی‌های نزدیک به هم اینکه چند نفر رفیق هستند، مصاحبان در امور زیادی ازنظر فکری، سلیقه‌ای، عاطفی و امثالهم مشارکت بیشتر دارند، گاهی هم اخوت در این دائره به کار می‌رود، البته بیشتر صداقت و امثالهم در روایات ذکر شده است، گاهی هم واژه اخوت در همین دائره رفقا به کار می‌رود.

7 – اخوت به معنای عقد الأخوه است، آن‌هم یک پایگاه اعتقادی و اخلاقی مهمی دارد.

# ترویج عقد اخوت به دست پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلّم

طبق بعضی از روایاتی که در شأن نزول آمده است، ذکر شده که وقتی **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** نازل شد، پیامبر عقد اخوت را رایج کرد و بین اصحاب عقد اخوت منعقدشده، ازجمله اینکه بین خودشان و امیرالمؤمنین علیه‌السلام عقد اخوت جاری کردند، این اخوت خاص الخاص است.

در پیرو آیه **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** که پیامبر عقد اخوت را انجام داد، این‌طور نیست که این آیه مربوط به عقد اخوت خاص الخاص است، بلکه این هم یک سطح راقی آن است که پیامبر آن را اجرا کردند، ازجمله در عید غدیر این را انجام دادند، ظاهراً عقد اخوت میان پیامبر و علی علیه‌السلام در مواضع مختلف تعدد داشته است، وقت نزول این آیه هم بوده است، طبق بعضی از شأن نزول‌هایی که ذکر شده است.

اما آنچه مستفاد از روایات است، این است که این عقد و پیمان اخوت که منعقد می‌شود، حقوق ویژه‌ای می‌آورد، دست‌به‌دست هم می‌دهند و آن صیغه اخوت را می‌خوانند، چند نوع اثر دارد، یکی اینکه وظایف متقابلشان تشدید می‌شود، یکی دیگر این است که آثاری هم در آخرت دارد، یعنی یک نوع حق شفاعت به آن‌ها می‌دهند.

سؤال...

جواب: این مشارکت در آن است، اما با عقد تقویت شده است، با آن پیمان مشترکی که بستند، یک استحکام بیشتری پیدا کرده است، وظایف و حقوق ویژه‌ای می‌آورد و آثار دیگری هم حتی در آن عالم پیدا می کند، یعنی در آن عالم می‌تواند حتی شفاعت بکند.

سؤال...

جواب: بعضی از ملاک‌ها به آن صورت هم وجود دارد.

«إنّما المؤمنون إخوه» سطوح عام را می‌گوید، سطوح عام میانی که مردد بین چندمعنا بود که قبلاً عرض کردیم.

اخوت اسلامی را می‌گوید یا نوعی از اخوت اسلامی یا اخوت ایمانی به معنای خاص می‌گوید، این همان اختلافی بو در بحث‌های قبلی به آن اشاره کردیم، درعین‌حال یک سطوح بالاتر یا پایین‌تر اخوتی که در این آیه هست و اخص هم وجود دارد که به‌اجمال به آن‌ها اشاره شد.

نکته دیگر این است که در قرآن تزاحم اخوت‌های طبیعی و تکوینی و قهری با اخوت‌های انتخابی و ایمانی یک اصل مهم است، اخوتی ایمانی بایستی چنان استحکام پیدا بکند که اگر جایی تزاحم پیدا کرد، بر آن اخوت‌های طبیعی غلبه داشته باشد، در شرایطی که تزاحم ندارد، اسلام اخوت‌های طبیعی نه‌تنها قبول دارد، بلکه بر آن‌ها تأکید دارد، آن‌همه حق برای اخوه و اخوات طبیعی و تکوینی ذکر کرده است، اما اگر اخوت طبیعی با اخوت ایمانی تزاحم پیدا کرد، تزاحم ایمانی مقدم است، این از نشانه‌های ایمان است، علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «کنّا فی أهل رسول الله نقتل آبائنا و أبنائنا و إخواننا»[[10]](#footnote-10)، ما چنان ایمانی داشتیم که در عهد رسول خدا بر روی اقربا و اخوان و آباء برای رضای خدا شمشیر می‌کشیدیم.

پیوندهای اخوت نسبت به تکریمی که قسم اول بود، با پیوندهای اخوت ایمانی و اسلامی مثبت که در قسم دوم بود، گاهی هماهنگ در یک خط است، اسلام آن‌ها را تأکید می کند، اما گاهی زاویه پیدا می کند، اسلام بر حسب شرایط مختلف می‌گوید: باید شما ایمانی و اسلامی را بر طبیعی مقدم بدارید.

در سوره حجرات آیه 9 می‌فرمایند: این دو گروه که با همه جنگیدند، **﴿وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما﴾**، در آیه بعد ترقی می کند و می‌فرمایند: **﴿فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُم﴾**‏، این‌ها برادران هستند، برای اینکه از لحاظ اعتقادی و امثالهم اصل مشترک دارند، بعد می‌فرمایند: اخوت آثاری دارد، یکی این است که **﴿فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُم﴾**، یکی به سمت غیبت می‌آید و می‌گوید: **﴿أَ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ﴾**[[11]](#footnote-11)، اخوت این‌قدر زیاد است که اگر غیبتش بکند، گویا گوشت او را می‌خورد.

آیه بعدی می‌فرمایند: ‏ **﴿جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِل﴾**[[12]](#footnote-12)، وقتی به قطع‌نظر از بحث ایمانی می‌رسد، می‌فرمایند: **﴿إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى‏ وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِل﴾**، وقتی در حوزه ایمانی می‌فرماید: بین مسلمانان و مؤمنان اصلاح بدهید، این‌ها را به حد اخوت می رساند، بعد می‌فرماید: **﴿أَ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخيهِ‏﴾**، بعد می‌فرمایند: **﴿يا أَيُّهَا النَّاس﴾**‏، آنجایی که ما می‌گوییم می‌شود به آن‌ها برادر گفت، قرآن ذکر می کند که **﴿إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى‏ وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِل﴾**، **﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُم‏﴾**.

1. - سوره مبارکه حجرات، آیه 10 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره مبارکه اعراف، آیه 65 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره مبارکه اعراف، آیه 65. [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره حجرات، آیه 10. [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره اسراء، آیه 27. [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره اعراف، آیه 202. [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره احزاب، آیه 18. [↑](#footnote-ref-7)
8. - سوره حجر، آیه 47. [↑](#footnote-ref-8)
9. - سوره مبارکه مؤمنون، آیه 101. [↑](#footnote-ref-9)
10. - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئى)، ج‏4، ص: 329. [↑](#footnote-ref-10)
11. - سوره حجرات، آیه 12 [↑](#footnote-ref-11)
12. - سوره حجرات، آیه 13 [↑](#footnote-ref-12)